

گفت‌وگو با سامان احتشامی، آهنگساز و نوازنده

کودک درونم زنده است

سمیه قاضی زاده



سامان احتشامی متولد ۱۳۴۷ است. او ۷ سالگی با بهره گیری از محضر استادانی چون زنده یاد جواد معروفی، دکتر محمد سرپر، اسماعیل نمین مؤید با ساز پیانو وارد دنیای موسیقی شد و در ۱۴ سالگی موفق به انتشار نخستین آلبومش گردید. در نخستین سال های یادگیری ساز از علاقه اش به آهنگسازی باختر شد و در همان سال ها برای ساخت قطعه «مدیرسه قشنگ» موفق به دریافت دیپلم افتخار جشنواره موسیقی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان شد. در سال های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ برنده لوح زرین و لوح تقدیر جشنواره موسیقی فجر شد و مقام اول را در پیانو کلاسیک و ایرانی کسب کرد و در سال ۱۳۸۲ برگزیده جشنواره موسیقی فجر شد. از او تا کنون بیش از ۱۲ آلبوم موسیقی همچون «باغ به باغ»، «کوجولوها در باغ»، «راز باغ»، «ای پری کجایی»، «مشت من» و... منتشر شده است. اگرچه این روزها به بیشتر و بیشتر احتشامی به تدریس می گذرد، اما این کار باعث شده است تا او از برگزاری کنسرت های مختلف موسیقی ایرانی و جهانی در قالب اجرای کنکوازی و اجرای گروهی یار ماند. در کنار این کنسرت ها، او هر سال با جعبه ای شاگردان خود نیز کنسرت می دهد. از دیگر فعالیت های وی می توان به ساخت موسیقی فیلم های چون «رسنگاری در هشت و بیست دقیقه»، ساخته سرویس لووند و «این ترانه نشانه نیست»، ساخته رحمان رضایی نیز اشاره کرد.

با موسیقی فیلم شروع کنید، این روزها مشغول ساخت فیلم ها به شما؟

این روزها به هیئت منظره تا بیستم موسیقی «این ترانه عاشانه نشیده» رحمان رضایی در نهایت جلوه آرای درآمده است. چون نشیده ام همین روزها هم قرار است اکران شود. در حال حاضر، مشغول آخرین مراحل ساخت آلبوم جدید موسیقی فیلم «پایاندار» هستم که فیلمی است در مورد صنعت در ایران. برای من تجربه بسیار جالبی بود چون باید این موسیقی در کنار گفتار صنعتی می نشست و این کار دشواری بود و حال و هوایش مثل فیلم های سینمایی نبود که عدم حضور موسیقی خیلی زود احساس می شود. من باید نوعی از موسیقی را می ساختم که در لایه های زیرین گفتار شنیده شود. همچنین به تازگی برای آلبوم آنتینیتی با عنوان «شازده کوجولو» از ساخته های استاد نولیم زرین کلک آهنگسازی کردم که هم تجربه خوبی بود و در فشار و تجربه بود که در قالب فیلم بود. فرش ایرانی به نمایش درآمد.

پس در این، ساخت موسیقی برای آنتینیتی را تجربه کرده اید؟

خیر، اما این بار احساس کردم که ساخت این موسیقی به من می گوید که هنوز کودک درونم زنده است. بخصوص این که من هر روز به کودک رادیو می گوش می دهم، بعضی ها به چه بچه های که همان خدایان کاسر هستند و که با همان فضای ذهنی و همان خوسته ها، این حس حاضر می شوند و از این نظر سال های این دنیا برمی دشوار نبود، ضمن این که در طول همان سال قبل کارهای مختلفی را در زمینه ساخت موسیقی کودک انجام داده بودم. در این بخش هم سعی کردم تا صداهای مطبوع بچه ها را به شنیدنی بیاورم که می توانستم با تصویر همراه کنم.

به ویژگی های این برای ساخت موسیقی آنتینیتی در نظر گرفتید که برای موسیقی مملکت یک فیلم سینمایی می نظر نمی گرفتید؟

ببینید همانطور که فضای یک پیک آرت آنتینیتی یک فضای سینمایی و انتزاعی است، موسیقی آن هم باید یک موسیقی انتزاعی باشد. شما می توانید شازده کوجولو را ببینید. ساخت موسیقی باید یک موسیقی در همان حد و اندازه باشد. برای

پیش از این بیشتر با نوشته های موسیقایی «هوشنگ سامانی» در مطبوعات آشنا شده بودیم که برای سال های مهم و غم خود را روی این ساله نوشتن نقد و گزارش در این حوزه گذاشته بود، اما به تازگی وارد حوزه تولید موسیقی شده و نخستین آلبوم خود را در فضای موسیقی محلی بخیتاری منتشر کرده است و دومین آلبومش هم که در فضای موسیقی ایرانی ساخته شده در راه است. شبنم بلور، ک و ولورنگز، تیگک نوس، افنو چوب بازی، بی تک نخار، مرزنگ ترنه، کنجوزی نی، بی تک نخار، خدایس سامانی قطعات این آلبوم هستند که همگی آنها در فضای موسیقی فولکلور بخیتاری ساخته شده اند که صدای شهرام براتپور اجرا شده و نوازندگانی چون بهنام سامانی، عمادرضا نکویی، حافظی، وصال عززاده و... آنها را نواخته اند. این هم محصول یک سال دوندگی وتلاش است که سرانجام منجر به انتشار این آلبوم شد. امید است در حوزه خواننده انتخاب کرد.

است مرزنگ (Merzeng) در گوش بخیتاری به معنی «راه است اشتر زبانی درجی - عباسی - شاعر جوان بخیتاری - را با راهمنی دوسی به نام فرخید بزرگ تک یا انتخاب کردم و آنچه را که بعد فرخید شنید، محصول سه سوزن دوق اینجاب است البته این را زانمیزی درویشی و محمدعلی کبانی اکبر شکاری، محمدرضا درویشی و محمدعلی کبانی تمام بهره بردم. زنده یاد بهمن نادعلی معروف به سوزم بخیتاری نیز کار داشت و خیلی خوشش آمد. تازه تنگ بودم در این منطقه و به ایشان است که اول آن در سال ۱۳۵۱ در دیوسال گذشته با هزاران عزیز سفر کرده، برای میزبانی کرنا و دلچل به همراه ارکستر زهی باقرتینی کردم.

سامانی این حرف ها را می زند. او در مقام آهنگساز این حرف ها را با آهنگساز و بازرگانان موسیقی محلی ایران را که از سن دوازده سالگی می گوید، آهنگساز و بازرگانان در خانه موسیقی محلی ایران، همواره طرفدار بیش از دیگر گونه های موسیقایی می طلبند. زیرا اثر تولیدی اگر از ویژگی های موسیقی مورد نظر خلیجی درویشی بود، واقع موضوعیت خود را از

خلق چنین موسیقی هم اغلب سازه های الکترونیکی بهترین ابزار هستند. از سویی، من همیشه برای ساخت موسیقی فیلم های سینمایی از کنسرت های خود و خود می جریان فغانر انگاری بود در ساخت این موسیقی های سینمایی. به عبارت دیگر، موسیقی این آنتینیتی یک چیز افکت های موسیقی بود برای لذت بردن از این که بخوام ملودی سازی کنم.

اگر آنتینیتی یک شما در طول این سال ها عمدتاً فعالیت خود را روی نوازندگی و آهنگسازی برای پیانو سنتی ایرانی گذاشته اید. سوالم این است که در طول همه این سال ها هر وقت کسی بخواهد در مورد پیانو سنتی ایرانی حرف بزند، اسم نخستین و آخرین افرادی را که می برد استادهای هستند مانند مرتضی خان محجوبی، جواد معروفی و چند نام دیگر که شاید همگی آن ها در حداقل در دو دهه پیش فوت کرده اند. چرا هنوز موسیقی این نوازنده چهره جدیدی برای پیانو سنتی ایران معرفی کرد؟

شاید مهم ترین دلایل سختی کار باشد، چون واقعاً اجرای موسیقی ایرانی با پیانو کار سختی است. دوم این که اگر کسی صرفاً بخواهد با پیانو فعالیت ایرانی را بنوازد نمی تواند، به این معنی که برای نواختن و یادگیری تکنیک پیانو حتی باید تودهای کلاسیک کلاسیک را یادگیری باشد. یعنی بحث پیوگیم که اگر کسی با موسیقی کلاسیک، روش های نواختن و تکنیک های آن آشنا نباشد نتواند موسیقی کلاسیک را خوب یا پیانو اجرا کند. نمی تواند وارد نوازندگی پیانو سنتی ایرانی بشود و کسانی که صرفاً موسیقی ایرانی می نوازند و با موسیقی کلاسیک آشنایی ندارند، در فراموشی به گوش حرفه ای هاسالم نیست. به همین دلیل بسیاری از کلاسیک کار ها خود می گیرند که عجز باید یا پیوگیم که در کلاس شما مطمئن باشند که اگر کسی خوب موسیقی کلاسیک را با پیانو اجرا می کند از پس نوازندگی موسیقی ایرانی بر نمی آید، چون طرفقات های بالا و خاص خودش را دارد. پس طبیعی است که تعداد نوازنده های پیانو سنتی ایرانی کم باشد چون برای نواختن همه با اول باید نوازندگی برای یزدن پیانو شخصی حداقل باید ۵ سال مداوم آواز کلاسیک زد باشد تا به این تکنیک دست پیدا کند. بحث حالا شما به

زاده ایم با پیانو اجرا شده است. در کنار اینها، من خودم مشغول جمع آوری تمام نغمات ایران هستم که انعام آن دو تا سال دیگر طول می کشد و تا کنون هم ۲ سال از فعالیتمان گذشته است. آخر هر هفته به استودیو می روم و چند گوشه را ضبط می کنم. قرار است که این اثر با کتابچه توضیحات کامل گوشه های ایرانی منتشر شود. از سوی دیگر، می کشم دی همرا با این اثر منتشر می شود که فیلم دست نوازنده پیانو در حین نواختن است تا مردم بتوانند در صورت تمایل برای اجرای خود نیز نوازند و شاگردان آن را می نوازند به این دلیل است که این دو نفر فعالیت موسیقی را هم از من آموخته و من بسیار دوست داشتم که هم آقا که این ها به این مرحله رسیده اند، خوششان این کار را انجام بدهند و ردیف موسیقی ایران را اجرا کنند. البته خودم همیشه سر ضبط حضور دارم.

این اثر به سفارش از گان خاصی تولید می شود؟
خیر. کاملاً خصوصی و شخصی تولید می شود. ببینید من تا به حال آلبوم های زیادی را توسط شرکت های مختلف تولید کرده ام، که برخی از آن ها مثل «باغ به باغ» هنوز خودم را بفروش تا به نامم آثار را خودم تولید کنم. بخصوص این که خود موسیقیدان کوچکترین دخالتی نمی تواند در مسائل اجرایی انتشار اثرش داشته باشد و همه چیز در دست ناشر است. کاری که در حال حاضر روی نغمات موسیقی ایرانی در حال انجام آن هستم زیرا قرار است توسط همین شرکت منتشر شود، کاری بسیار پرهزینه که هرگز هزینه آن نخواهد گشت و کاری فقط و فقط فرهنگی است. زیرا علاوه بر خود فقط چند یاد داری گوشه و نغمه دارد که نواختن هر کدام از این ها برای من که همه وقت صرف تدریس می شود، بسیار سخت است. بنابراین، این علاقه مندم که از این کار حمایت شود چون بسیار هزینه بر است. از طرفی، نمی توانم بگویم که خب حالا که حمایتی نمی شود من اثری تولید نکنم. خیر، اصلاً اینطور نیست.

بسیاری از جوانان در راه گاه در سن و سال شما موسیقی را شروع می کنند و این هم به این شکل است. شما این مسئله را وقت تان از روی تعریف موسیقی گذاشته اید. این مساله به زعم شما یک معضل است؟
خیر، اول این که من تدریس لذت می برم و دوم این که می کار میدانی انجام می دهم.

بله، اما آیا وظیفه اصلی یک آهنگساز، آهنگسازی نیست؟

وظیفه اصلی یک آهنگساز در کجا؟ به حدی صحت بسیار درست است، اما وقتی می بینم که با چه شقتی باید روم از آن تهیه کننده ها بگیرم و از این طرف شاگردانم نمی گذارند من کشتم مساحتها به جانم از آن شروع می کنم. چون نوازنده های ایرانی بسیار کم هستند و به همین دلیل ۶ ماه بعد به پیوگیم حساب می شود. همه این ها به این دلیل است که کسانی هم که بخشی از این موسیقی در نظر می گیرند، با پیوگیم از برای آن نمی بینند، تهیه کننده در دقیقه ۹۰ که فیلمش برای اکران حاضر شود، روز و روز آن من موسیقی می خواهد و بعد برای من شروع حساب... از طرفی، همین موسیقی هم که از خواسته می شود خودش داستان ها دارد. بچه ها که از این موسیقی نوازنده ییلن گل نگریم و به جای آن از صدای ویلن گل سبستی نوازنده استفاده می کند. خوب واقعاً فرق می کند؟ همین می شود که موسیقی ساز از آن در نمی آید و آهنگساز هم که خودش ناراضی است. در واقع، کار و خلاقیت آهنگساز قربانی سبستی میزبان می شود.

می توان به ویولن آلتو، ویولن سل، اودو ویولن، و اودو ویولن، و اشاره کرد. این ساله را می توان در مورد ریتم و قطعات هم متکرر شد و به نظر می رسد که سامانی از ابتدای امر برای استفاده از این شیوه خاص ریتم و ساز را برای برنامه زهی خاصی داشته است. «نغمه اصلی آن برگرفته از موسیقی رایج در غرب استان چهارمحال و بخیتاری است و ریتم اصلی آن که تیتیک دنبالی می شود، ریتم های خاص استان لرستان را می یاد و آورد. تیکه کلام «ده نیز ملهم از موسیقی آوازی کردستان است» در همین حال عناصر موسیقی دستگاهی ایران و موسیقی نوین ایرانی متأثر از غرب نیز در این تصنیف شنیده می شود. این آلبوم ریتمیک یا چند وزنی یابانی تصنیف، حال و هوای موسیقی سواحلی جنوب را نداعی می سازد (از کنسرت اسبون) مجموعه مرزنگ نفاذی آشکار با آثار مشابه دارد. برخی قطعات به طور کامل با سازه های ایرانی شکل گرفته اند و ساز آوازی برخی دیگر، ترکیبی از سازه های ایرانی و غربی است که در مجموع صداهای «سوزنبره» یکسانی را به گوش نمی رسانند و به اصطلاح یکدست هستند. این موضوع به خاطر آن بوده است تا شیوه های مختلف با آفرینی نغمات محلی در معرض شناخت نوازندگان قرار دهد، با علم به این که راه های دیگری هم برای این منظور وجود دارد. در ترکیب سازهای این مجموعه از یک ساز کوبه ای جدید به نام «اودو ویولن»، به صورت خودمان استفاده شده است. این ساز که برای نخستین بار در ایران مورد استفاده قرار خلیجی مرکز مورد استفاده قرار می گیرند. این سامانی عضو گروه پرواز (دستان)، این ساز همگاری که شرکت صنایع وازی ترکیبی از چند ساز مختلف شامل پیانو، تکیه تکیه ایرانی، تمپوی غربی، کتیرچه هندلی و کوچه آفریقایی است و در حال حاضر شنیده منحصراً به فراد و دارد، می توان گفت دقیقاً متعلق به کدام فرهنگ است. صدای این ساز را در دو قطعه جوب بازی و افنو استفاده کرده،

نگاهی به آلبوم محلی «مرزنگ» اثر هوشنگ سامانی روایتی نواز موسیقی بخیتاری

سبک که در ریشه از موسیقی نواحی اشاره می کند، در مواجهه با موسیقی اقوام ایرانی، اگرچه به عنوانی چندین نواخته از جدیدی متولد شده است مجموعه مرزنگ نیز با نواختن دیگانه شکل گرفته که نه اجرای لذت به نواختن های بخیتاری باشد و نه با دخالت دادن عناصر سایر موسیقی با اقتضای فضای موسیقی بخیتاری خود روش که در ایران را بخیتاری نامید. این آلبوم در حدی که آهنگهای مجوعه، بخیتاری خود روش که در ایران را بخیتاری نامید. این آلبوم در حدی که آهنگهای مجوعه، بخیتاری خود روش که در ایران را بخیتاری نامید. این آلبوم در حدی که آهنگهای مجوعه، بخیتاری خود روش که در ایران را بخیتاری نامید.



مختلف زاگرس در عین دارا بودن نغمات مشترک، هر یک بنا به ذائقه خود، نغمات ویژه ای هم دارند که معمولاً در نقاط یا اقوام کاربرد دارند و برای خلیجی مرکز مورد استفاده قرار می گیرند. این سامانی عضو گروه پرواز (دستان)، این ساز همگاری که شرکت صنایع وازی ترکیبی از چند ساز مختلف شامل پیانو، تکیه تکیه ایرانی، تمپوی غربی، کتیرچه هندلی و کوچه آفریقایی است و در حال حاضر شنیده منحصراً به فراد و دارد، می توان گفت دقیقاً متعلق به کدام فرهنگ است. صدای این ساز را در دو قطعه جوب بازی و افنو استفاده کرده،

جهان شاعران فراوانی به خود دیده است، شاعرانی که به جغرافیای

قلب من بیروت

حسن گوهرپور

جهان شاعران فراوانی به خود دیده است، شاعرانی که به جغرافیای فرهنگی شان شبیه بوده و ویژگی های آن جغرافیا را سوره اند. آنان در زیست جهانی است. کویچه و گاه شجره و دریاچه ای آفرینند که دارای ششادامه محیطی وومی است. گریه و ویژگی های عمومی ام هم دارد که به تنوع آن است. صداعه کرد که این ادبیات در فضایی جهان وطنی هم قابلیت خواننده شدن دارد. جهانی که شعر عمر ترسیم می کند از همان مفاهیم ازلی - ابدی سود می جوید که مثلاً لوت، نروا، گلشن ترسیم می کند... در آن سوی جهان با این تفاوت که هر کدام از این شاعران دغدغه های شخصی شان را با زبان شخصی خود بیان می کنند (فارغ از مقایسه این نام ها که اساساً اشتباه است). تاریخ شعر بر این نسخه می گذارد که جهان عرب کلام موزون را می شناخته اند. از جاحظ، منفلوطی، جرجی زیدان و یان مقفع گرفته (که همه از عرفان بوده اند) تا آلونسیس، محمود درویش، نغاده سمان، کزاقی، انسی الحاج، یوسف الخال و عبدالواحد البیاتی نمونه ها و شانه های هستند بر این مدعا که در میان این شاعران که هر یک دارای نام و آوازه ای در خود توجه هستند و هر کدام روایتی از خود و نسل شان را به کلام موزون در آورده اند، نزار قبانی را برمیگزینم تا برخی از روایات جهانی را که در اشعارش ترسیم می کند، به نوشتار در آوریم. در نظر نزار قبانی وظیفه شعر و کرد و کرد و در منقلب گذشته ها ماندن نیست. در آندیشه نزار قبانی ما را هم بریزد و ساختن و به تعبیر انقلاب است. شعر می بایست توانمند باشد و اینها را هم بریزد و آندیشه او را متحول کند. شعر باید پوست و استخوان و تاریخ ماضی را برانگیزد. کند شاعر در واقع می آید تا جهان را در گریه کند و جهان در گریه شده را برای وی روشی معاشی نشاناند، جهانی که همه از درجه عمومی و همگانی می بینند همان جهانی است که می گوید: صبح از خواب برخیز صبحانه بخور، در شملت برو کار کن، کار بخور و صبحاوب و دوباره کار کن گاهی هم تفریح های سطحی و مدستی و شادی های بدون علق و وزو گذر، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. این که شعر دروغ نرنگ بزند و بخواهد دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای کاخ و گریه، نزار گازی شعر و نزار حرمی شادت و تقابل برای می کرد. پارلمان کاخ و ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ داشت، اما درجه ای که شعر از آن هستی را به مخاطبش نشان می دهد جهان دیگری است. البته نزار قبانی آن آثار حاصل مدرنیته و روایتی دروغین را به مخاطب نشان دهد، بلکه شاعر علیه تصور کند فضاهای انسانی و محیطی و نشان دادن روایات زیان هستی آن عمل و فعل دشواری است که شاعر می تواند از آن بگذرد. نزار قبانی در آندیشه خود می آید تا اینها را به یاد کردن این روایات نامنماید آن را به مخاطب بگذارد. در این میان اما با نام شاعرانی شبیه از او آینه ای در این جهان دارد و شعر هم دارد که در همه ریشه ترسیم می شود. نزار قبانی در آن نشان جگانه هر یک جغرافیای فرهنگی نمی تواند. در او صداهای